

دیدن جهان از نگاه دونالد ترامپ

بررسی سیاست خارجی آینده آمریکا در دوره ترامپ

نیروهایی که در میدان نبرد علیه داعش حضور دارند، اعم از شبه نظامیان تحت حمایت ایران در عراق، یا علوی‌های متعدد با ایران در سوریه شیعه هستند. از دیدرباض، پیروزی این‌ها و بقای رژیم بشار اسد معنایی جز پیروزی ایران که رقیب اصلی اش در منطقه خلیج فارس است ندارد.

احتمال و خامت روابط آتی بین ایالات متحده و عربستان سعودی از این روزیاد است که ترامپ اصرار دارد برای حفاظت از این کشور بهایی سنگین دریافت کند. او در یکی از سخنان موجز مردم‌شناسانه خود که در آن استاد است در ۱۶ دسامبر گفت: «کشورهای خلیج فارس چیزی جز پول ندارند. ما پول نداریم و ۲۰ هزار میلیارد دلار هم بدھی داریم...» تلخ کامی عربستان سعودی الزاماً به معنای کامروایی ایران نیست، که قاعده‌تا باید از راه بیانی ترامپ به کاخ سفید بسیار بیمناک باشد. در واقع، ترامپ در تمام مدت کارزار انتخاباتی خود، توافق‌هسته‌ای با تهران موسوم به « برنامه جامع اقدام مشترک » (برجام) را « بدترین توافق تاریخ » توصیف کرده و وعده داد که آن را « برهم زند ». ژرال فلین (مشاور امنیت ملی ترامپ)، دشمن آشتی ناپذیر ایران است و بی تردید بر رئیس جمهوری فشار خواهد آورد که به وعده خود عمل کند. با این حال، اولویت از بین بردن سریع داعش می‌تواند بر اراده تحریم ایران پیشی گیرد. افزون بر این، این توافق را فرانسه، آلمان، انگلستان، چین و روسیه نیز امضا کرده‌اند و هیچ تمایلی برای برهم زدن آن ابراز نکرده‌اند.

این احتمال هست که روابط بین واشنگتن و مسکواز نخستین روزهای آغاز به کار دستگاه مدیریتی ترامپ بهبود یابد. در واقع، رئیس جمهوری جدید بارها و لادیمیر پوتین را تحسین و پیشنهاد کرده که برای ترمیم روابط دو جانبه و خیم کنونی با او دیدار کند. پس از یک گفت و گوی تلفنی بین این دو، کرملین اعلام کرد که آنها در مورد « عادی سازی روابط و ادامه همکاری سازنده در مورد مسائل گوناگون » به توافق رسیده‌اند.

گزینش تیلرسون به عنوان وزیر امور خارجه، تاحدی می‌تواند ناشی از روابط خوبی باشد که او از دیرباز با مسکو برقرارکرده و مشارکتی که شرکت نفتی تحت اداره اش با موسسات روسی عامل در قطب شمال و جزیره ساخالین داشته است. با این حال، پیش‌بینی یک ماه عسل پرداام در روابط بین آمریکا و روسیه امری دور از احتیاط خواهد بود. دغدغه اصلی رئیس جمهوری جدید تعمیم منافع ایالات متحده است و در ذهن او هرگونه توافقی که بتواند به موقعیت برتر آمریکا لطفه بزند بی مورد خواهد بود.

علاوه بر این، ترامپ مصمم است ارتضی را تقویت کند، در حالی که تنها بودجه نیروی زمینی آمریکا دوبرابر همه هزینه‌های نظامی روسیه است. چنین قصدی به هیچ وجه خوشایند پوتین نخواهد بود و با آنکه برخی از پیشنهادهای رئیس جمهوری آینده ایالات متحده، مانند تقویت نیروی دریایی به نظر می‌آید که علیه چین باشد، برنامه‌های دیگری حاوی هشدار به روسیه است. به ویژه مدرن سازی ناوگان بمباران کننده‌های راهبردی و خرید « آخرین مدل‌های موشک‌های تدافعی ». چنین اقداماتی در وهله اول مسکو را نگران می‌کند زیرا روسیه برای بازدارندگی غرب از هرگونه اقدام نظامی علیه خود تنها روی سلاح‌های هسته‌ای خویش حساب می‌کند.

۲) اروپا و چین

در مدت کارزار انتخاباتی، ترامپ چینی‌ها را متهماً

موضوعات از جمله بحران اوکراین و سوریه تیره شده است، می‌توان از موضع قدرت و برآسان منافع مشترک خصوصاً مبارزه با داعش در روابط بهبود حاصل کرد. وی در این خصوص اظهار داشت: « آمریکا از اینکه دشمنان قدیمی تبدیل به دوست شوندو دوستان قدیمی تبدیل به هم پیمان، استقبال می‌کند. آمریکا باید « از موضع قدرت » از تنشی‌های خود باروسیه بکاهد و به « چرخه هراس آور خصوصیت پایان دهد » و بر مبنای منافع مشترک، با مساله ظهور اسلام‌گرایان افراطی که نگرانی آنها هم است، مقابله کند. »

با آنکه این رودررویی به طور خاص به ارتضی مربوط می‌شود، کاربردهای دیلماتیک مهمی نیز در بر دارد. در درجه اول، باید دانست واشنگتن از چه کسانی می‌تواند درخواست کند که در این بردن داعش مشارکت داشته باشند. در این چارچوب است که تصور ترامپ برای اتحاد ممکن با ولادیمیر پوتین شکل می‌گیرد. او در ۲۵ زوییه ۲۰۱۶ هنگام یک دیدار عمومی در کارولینای شمالی این پرسش را مطرح کرد: « آیا متحده شدن با روسیه برای از بین بردن داعش فوق العاده نیست؟ » او همچنین در دو مین مناظره تلویزیونی با هیلاری کلینتون در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۶ پیشنهاد کرد که روابط با دمشق از سر گرفته شود.

در عرض، رئیس جمهوری‌های روسیه و سوریه می‌توانند از امتیازهایی برخوردار شوند: برای رئیس جمهوری روسیه، این امتیاز شناسایی عملی الحق کریمه به روسیه و لفو تحریم‌های مربوط به آن و برای بشار اسد قطع هرگونه کمک به شورشیانی است که علیه رژیم اموی جنگند.

به احتمال قوی، ترامپ خواهد کوشید ترتیباتی از همین نوع نیز با دیگر کشورهای عمدۀ منطقه داشته باشد. به عنوان نمونه می‌توان یک توافق سریع با رجب طیب اردوغان (رئیس جمهوری ترکیه) را تصور کرد که فشار بر داعش را در برابر کاهش حمایت آمریکا از پیشمرگه‌های کرد در سوریه تشدید کند. این در حالی است که در حال حاضر کردهای سوریه کارآمدترین نیروی زمینی در تهاجم علیه تروریست‌ها هستند. اردوغان یکی از نخستین روسای حکومتی بود که پیروزی ترامپ را تبریک گفت و هردو اعلام کردند که علیه « ترویریسم » به همکاری گستردۀ ای دست خواهند زد. این نیز محتمل است که ترامپ روند استرداد فتح الله گولن، شخصیت مذهبی‌ای که آنکارا او را مسئول کودتای ۲۰۱۶ می‌داند به ترکیه را تسهیل کند.

در مقابل، روابط واشنگتن با عربستان سعودی می‌تواند با تشید تهاجم علیه داعش دچار تنش شود. رهبران داعش، مانند عربستان سعودی سنتی هستند و پیشتر قربانیان آینده بمباران‌ها علیه مواضع این سازمان نیز سنتی خواهند بود. در عین حال، بخش بزرگی از

سید مجتبی جلالزاده

کارشناس بین‌الملل



۳ بیستم زانویه (۱ بهمن) ترامپ در حالی وارد کاخ ریاست جمهوری آمریکا می‌شود و بر مسند قدرت تکیه می‌زند که علاوه بر مخالفهای درونی در ایالات متحده، صحنه بین‌الملل نیز روی آرام و خوشی به ترامپ نشان نداده است. چالش‌های پیش روی رئیس جمهور تازه آمریکا، حکایت از روزهای پر فراز و نشیب آینده دارد. « آمریکا در درجه اول » شعاری است که در ماه‌های اخیر ورزبان چهل و پنجمین رئیس جمهوری این کشور بوده است. این شعار بیانگر آن است که سیاست خارجی رئیس جمهوری جدید چگونه خواهد بود و دیدگاه‌های سیاست خارجی ترامپ به چه سمت و سوی سوق پیدامی کند. اما این نکته را نیایستی از خاطر برد که دانستن اینکه سیاست خارجی دونالد ترامپ به چه چیز شباخت خواهد داشت دشوار است. رئیس جمهوری جدید جزئیات نیات خود را در اسناد مکتوب و نه در سخنرانی‌هایش بیان نکرده است. چند مصاحبه‌یا اظهاراتی در طول کارزار انتخاباتی و اخیراً، گزینش اعضای دستگاه مدیریتی او امکان می‌دهد که بتوان موضوع را کمی روشن تر دید. در این جستار طی دو محور به بررسی سیاست خارجی احتمالی آمریکا در دوره ترامپ می‌پردازم:

۱) روسیه و خاورمیانه

جنگ ایالات متحده علیه داعش در حدی وسیع به عنوان یک مشکل قاطعیت در از بین بردن آن تاحدزیادی ناشی از هراس از حملات در خاک آمریکا و در وجه عام خصوصی است که « اسلام رادیکال » برمی‌انگیزد. ترامپ اعلام کرد که این نخواهد بود: همه امکاناتی که ارتش در اختیار دارد صرف این مبارزه بی‌رحمانه و نابود کننده خواهد شد.

اگر دونالد ترامپ بهبود روابط با چین را بر مبنای اقتصاد دنبال می‌کند این امر را در قبال روسیه بر مبنای اقتدار پیگیری می‌کند و معتقد است با توجه روابط واشنگتن-مسکو که بر سر برخی





ترامپ از توافق هسته‌ای ناراضی است!

ادامه بازی زیگزاگی دولت آمریکا در قبال برجام

تاکیدی کند! فراتر از این موارد، مواضع اخیر دونالد تراپ درخصوص توافق هسته‌ای، نشان می‌دهد که دیدگاه‌های خوشبینانه اخیر مبنی بر اینکه دولت جدید آمریکا برجام را اجراخواهد کرد، محلی از اعراب ندارد!

تراپ با اعلام نارضایتی از توافق هسته‌ای ایران، گفت: «فکر می‌کنم یکی از بدترین توافق‌هایی است که تاکنون حاصل شده است، امنی خواهم بگویم که قصد دارم با این توافق چه کار کنم!»

«بوریس جانسون» وزیر امور خارجه انگلستان، نیز

مجید وحیدزاده

روزنامه‌نگار

اخیراً مقامات آمریکایی مواضع ضد و نقیضی در خصوص برجام و نحوه و میزان پایبندی به توافق هسته‌ای مطرح می‌کنند. از یک سوتیلرسون وزیر امور خارجه پیشنهادی تراپ از بازنگری برجام سخن می‌گوید و در مقابل، جیمز ماتیس وزیر دفاع پیشنهادی رئیس جمهور جدید آمریکا بر لزوم تعهد پذیری کشورش در قبال برجام

شلیک تراپ به قلب اروپا

مناسبات بروکسل- واشنگتن به کدام سومی روود؟

چراغ سبزی به گروههای ملی گرا و راست افراطی در اروپا محسوب می‌شود. علاوه‌تر از خود را از ملی‌گرایان اروپا و کسانی که سودای بازگشت اروپا به دوران قبل از تشکیل اتحادیه اروپا دارند اعلام کرده است. در جریان رقابت‌های انتخاباتی سال ۲۰۱۶ در ایالات متحده آمریکا، تراپ با حمایت گسترده‌ای از سوی ملی‌گرایان اروپا را به رو بود. مارین لوپن، رهبر جبهه ملی فرانسه که هم‌اکنون از اصلی ترین گزینه‌های ورود به کاخ الیزه (در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷) محسوب می‌شود به همراه بسیاری از راستگرایان افراطی در سرتاسر اروپا خواستار پیروزی تراپ در انتخابات و استقرار وی در کاخ سفید بودند. این رابطه کاملاً دوطرفه است! ملی‌گرایان قاره سبز و حتی برخی استقلال طلبان در کشورهای مختلف اروپایی مورد حمایت خاص دونالد تراپ و تیم سیاسی همراه وی قرار دارند. آنچه مسلم است اینکه دونالد تراپ در سال ۲۰۱۷ میلادی حمایت خود را از گروههای ملی‌گرا در اروپا به صورتی علی تریان خواهد کرد. مصاحبه اخیر رئیس جمهور منتخب آمریکا با نشریه تایمز نشان دهنده همین مساله است. تراپ در برخه زمانی فعلی که بحران‌های اقتصادی، اجتماعی، مهاجرتی، امنیتی و سیاسی در اتحادیه اروپا در حال افزایش است، ابایی از ابراز حمایت خود از ملی‌گرایان اروپا ندارد. این خود می‌تواند مناسبات ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا را وارد فازی بحرانی کند. هم‌اکنون گروههای راست و چپ میانه در اروپا

◀ حنیف غفاری
روزنامه‌نگار

اظهارات جنبال برانگیز اخیر دونالد تراپ، رئیس جمهور منتخب ایالات متحده آمریکا در خصوص مسائل جاری در اتحادیه اروپا شوک سختی را به مقامات این مجموعه وارد ساخته است. سیاستمداران اروپایی انتظار داشتند تا تراپ حداقل پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، مواضع ضد اروپایی خود را مانند دیگر مواضع خود تغییر دهد اما گویا رئیس جمهور جدید ایالات متحده دل خوشی از قاره سبز ندارد! حمایت همه‌جانبه اتحادیه اروپا از ریاست جمهوری هیلاری کلینتون و اظهارات سلبی افرادی مانند مرکل، اولاند و دیگر سیاستمداران اروپایی در دوران مبارزات انتخاباتی تراپ در شکل‌گیری و تبلور این مساله بی‌تأثیر نبوده است. رئیس جمهور منتخب آمریکا در اولین مصاحبه با نشریه انگلیسی تایمز، سیاست‌های آنگلا مرکل را به باد انتقاد گرفت و تاکید کرد که همه بالآخره از اتحادیه اروپا خارج می‌شوند. دونالد تراپ رای شهروندان انگلیسی نسبت به خروج از اتحادیه اروپا را هوشمندانه دانسته است. وی همچنین بار دیگر سیاست‌های مهاجرتی آنگلا مرکل صدر اعظم آلمان را به باد انتقاد گرفته است. بدون شک اظهارات اخیر رئیس جمهور منتخب ایالات متحده آمریکا

کرد که اقدامات بازرگانی غیر منصفانه‌ای به زیان ایالات متحده انجام می‌دهند و با ساخت یک پایگاه نظامی در دریای جنوبی چین به باراک اوباما توهین کرده‌اند. از این رو، ساکن جدید کاخ سفید فکر می‌کند که روابط با پکن می‌باید پر نتش تر شود. آیا این روابط می‌تواند به یک درگیری مسلح‌انه بینجامد؟ او در پاسخ این پرسش که آیا برای راندن چینی‌ها از موضع شان در دریای جنوبی چین به زور متول خواهد شد، پاسخ داد: «شاید... اما مقدرت اقتصادی بزرگی در برابر چین داریم و آن قدرت بازرگانی است». او بدون آنکه وارد جزئیات شود گفت که ترجیح می‌دهد از حقوق گمرکی و دیگر اهرم‌های بازرگانی استفاده کند. تلفن کردنش به تسای اینگونه (رئیس جمهوری تایوان) که برای نخستین بار بین یک رئیس جمهوری یاری‌ساز جمهوری منتخب و یک رهبر تایوان از زمان قطع روابط دیپلمatic با جزیره تایوان در سال ۱۹۷۹ است - را شاید بتوان در همین جهت تعبیر کرد: «تهدید به تشدید روابط به منظور فراخواندن پکن به پذیرش برخی از درخواست‌ها».

در عین حال، بر تراپ پوشیده نیست که در مردم برق خی از مسائل اساسی، نیاز به همراهی رهبران چین دارد. به ویژه در مورد کره‌شمالی که یکی از مسائل عاجل امنیتی است و او باید به محضر شروع به کار با آن رود رو شود. کره‌شمالی با آنکه از نظر بین‌المللی بسیار منزوی است، به نظر می‌رسد که رهبران آن موفق شده‌اند زادخانه اتمی خود را به انداده و موشک‌های بالیستیک قادر به هدف‌گیری ژاپن یا قلمرو آمریکا در آقیانوس آرام هستند. چینی‌ها، که به نظر می‌رسد از فروپاشی رژیم کیم جونگ اون هراس دارند (زیرا می‌تواند موجب سرازیر شدن سیل صدها هزار پناهنده کره‌شمالی به سمت شمال و یکپارچه شدن تحت سپریستی آمریکایی‌ها شود)، در حال حاضر به طور قاطع از او حمایت مادی می‌کنند. تراپ با آنکه امیدوار است بتواند پیونگ یانگ را به منجمد کردن برنامه هسته‌ای اش و ادارد، نیازمند این است که چین میزان بازرگانی خود را با کره‌شمالی کاهش دهد.

روشی که به نظر می‌آید رئیس جمهوری منتخب برای رابطه با اروپا و ناتو در نظر دارد، آشکارا افاصله بین برداشت او و اسلام‌فراش را نشان می‌دهد. در حالی که رئیس جمهوری‌های پیشین پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را سنگ زیربنای سیاست امنیتی آمریکا و اروپا را به عنوان یک سنگ‌نظم لیبرال می‌دانستند، تراپ از این برداشت رو برمی‌گردد. از دید او، ناتو ناکارآمدی خود را در مهم‌ترین جنگ زمانی یعنی جنگ علیه «تروریسم اسلام‌رادیکال» نشان داده است و اروپا، به عنوان یک واحد سیاسی، به نظر او قادر توانایی عملی برای دفاع از منافع حیاتی ایالات متحده است. از این رو سزاوار توجیهی کمتر از قدرت‌های مانند روسیه و چین است که در «بازی بزرگ» جهانی فعال تر هستند. به نظر می‌آید که علاقه مستأثر جدید کاخ سفید به دومور خاص محدود می‌شود: وادراسختن اعضای اتحادیه به مشارکت مالی بیشتر در دفاع مشترک و درخواست اینکه آنها بیش از پیش در جنگ علیه داعش درگیر شوند.

مسائل دیگر، مانند دفاع از «جهه شرقی» اروپا علیه یک حمله احتمالی روسیه با بایی تفاوتی تراپ مواجه است و به نظر می‌رسد که او فکر می‌کند اروپا در عرصه جهانی تنها یک کانون تنش درجه دوم است. از این‌رو، او در صورتی احساس نگرانی خواهد کرد که منافع اساسی اش مورد تهدید قرار گیرد. این امر، به طور قاطع به خوبی شیوه رفتار رئیس جمهوری آتی را توضیح می‌دهد. «آمریکا در درجه اول» و همه کشورهای دیگر بر مبنای یک معیار سنجیده می‌شوند: آیدر تحقق هدف‌های اساسی آمریکا برگ برنده یا مانع اند؟